



نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی بهتر است چگونه باشد؟

ارائه پیشنهاد اجراپذیر متناسب با شرایط کشور





گزارش الگوهای حکمرانی پارلمان نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی بهتر است چگونه باشد؟ محمدامین فخمی جمیل مهدی زینالو	نوع سند حوزه تخصصی برنامه عنوان نگارنده/نگارندگان ناظر کیفی مشاور / مشاوران مرورگر / مرورگران موعد تحویل تاریخ انتشار مخاطب (کارفرما)
تیر ماه ۱۳۹۸ تیر ماه ۱۳۹۸	

مالکیت فکری و حق تالیف

توضیح حق تالیف و مالکیت فکری

فرد / موسسه

جملات کلیدی

- طرح یک فوریتی «اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» دارای ایرادات اساسی است.
- «نظام انتخاباتی تلفیقی: اکثریتی در تک کرسی‌ها و تناسبی در چند کرسی‌ها» می‌تواند ضمن حفظ نظام اکثریتی موجود در حوزه‌های تک کرسی، نظام تناسبی را در حوزه‌های انتخابیه دو کرسی به بالا برقرار نماید.

کلمات کلیدی | مجلس شورای اسلامی، نظام انتخاباتی، قانون اساسی، مدل تناسبی

فهرست مطالب

- ۳ خلاصه گزارش
- ۵ مشکلات نظام انتخاباتی موجود مجلس
- ۵..... اولویت دغدغه های محلی و کمرنگی مسائل ملی
- ۵..... پیروزی افرادی با شایستگی های ناکافی
- ۶..... حذف رای بسیاری از رای دهندگان و کمرنگی عدالت انتخاباتی
- ۶..... امکان بروز تخلفات انتخاباتی
- ۶..... عدم پاسخگویی نمایندگان
- ۷..... نرخ زیاد تغییر نمایندگان
- ۷..... هزینهی بالای انتخابات
- ۸ تاریخچه اصلاحات در قانون انتخابات مجلس
- ۸..... قبل از انقلاب اسلامی
- ۸..... بعد از انقلاب اسلامی
- ۱۰..... نظام سیاسی و نظام انتخاباتی
- ۱۰ انواع حوزههای انتخابیه
- ۱۱..... نظامهای انتخاباتی
- ۱۲..... اکثریتی
- ۱۲..... تناسبی
- ۱۳..... مختلط
- ۱۴ معیارهای کلان نظام انتخاباتی مطلوب برای کشور
- ۱۴..... معیارهای ایجابی
- ۱۴..... شایسته گزینی و انتخاب صالحان
- ۱۵..... کاهش فعالیت محلی و افزایش دغدغه های ملی نمایندگان
- ۱۵..... تضمین مشارکت گروه های سیاسی

- ۱۵..... معیارهای سلبی
- ۱۵..... عدم کاهش مشارکت مردمی
- ۱۶..... افزایش ندادن هزینه های انتخاباتی
- ۱۶..... نبود مشکلات امنیتی و قومیتی
- ۱۶..... عدم کاهش عدالت انتخاباتی
- ۱۷..... بررسی طرح قبلی استانی شدن
- ۱۷..... مزایای طرح استانی شدن مذکور
- ۱۹..... معایب طرح استانی شدن مذکور
- ۲۲..... پیشنهاد اجراپذیر جایگزین
- ۲۲..... نظام انتخاباتی تلفیقی: اکثریتی در تک کرسیها و تناسبی در چند کرسی ها
- ۲۳..... شبیه سازی انتخابات با مدل پیشنهادی فوق (براساس آمار سال ۹۴)

خلاصه گزارش

مطالعات حوزه پارلمان به دلیل اهمیت بالای مجالس قانون گذاری در نظام حکمرانی کشورها، حائز اهمیت فراوان است. بی شک مطالعات مربوط به نظام حاکم بر انتخابات مجلس بعنوان سازوکار تعیین کننده ورودی‌های این نهاد، کلیدی تر از سایر بخش هاست. لذا توجه به پژوهش و اتخاذ تصمیمات اساسی مبتنی بر تجربه و دانش در حوزه نظام انتخاباتی مجلس، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. مرور تاریخچه تلاش قانون گذاران برای اصلاح قانون انتخابات مجلس در زمان مشروطه و پس از انقلاب به وضوح از اهمیت این موضوع نزد حکمرانان و دغدغه‌مندان مردم سالاری حکایت دارد که محصول آن هم‌اکنون، قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۸ است.

مجلس شورای اسلامی بدلیل وجود مشکلاتی در قانون و نظام انتخاباتی آن متحمل آسیب‌های فراوانی است که از جمله آن می‌توان به نبود سطح تخصص و شایستگی کافی در عمده نمایندگان، پیرنگی دغدغه‌های محلی به جای تفکر ملی و کلان، عدم پاسخگویی حزبی و دیگر مشکلات موجود در فضای قانون گذاری اشاره کرد.

در حال حاضر طرح یک فوریتی «اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» معروف به طرح استانی شدن انتخابات، که در آبان سال ۱۳۹۷ اعلام وصول شد در دست بررسی نمایندگان مجلس قرار گرفته است که اگرچه به دنبال کسب مزیت‌هایی است اما نقاط ضعف متعددی دارد که در صورت اجرایی شدن، می‌تواند آن را به قانونی مخرب تبدیل کرده و وضعیت را در برخی موارد بدتر از وضع فعلی نماید. این طرح بدلیل ترکیب همزمان حوزه ی فرعی و حوزه ی استان مشکلات منطقی غیر قابل حل دارد و ضمن آن که بدین شکل در دنیا مجرب نیست، بصورت عام تعیین نمی‌کند نامزد برنده، نماینده مردم استان است یا حوزه فرعی. چراکه منطق انتخابات استانی، نمایندگی فرد انتخاب‌شونده از کل استان است و قرارداد حد اقل نصاب رای از حوزه فرعی، نمی‌تواند گام موثری جهت نیل به اهداف کلان موجود در نظام تناسبی استانی قلمداد گردد. همچنین بروز دیگر معایب موجود در انتخابات استانی، یعنی کاهش مشارکت مردمی، افزایش عمومی هزینه انتخابات و دامن زدن به اختلافات قومی- قبیله‌ای نیز محتمل است.

^۱ نظام‌های انتخاباتی متفاوت از نظام انتخابات است: مجموعه‌ای از رویه‌هایی که ترتیبات مربوط به تصدی مناصب عمومی را مشخص میکنند. این رویه‌ها شامل این موارد هستند: الف- ساختار برگه‌ی رأی به چه شکلی باشد، ب- شهروندان چگونه رأی دهند، ج- شمارش آراء به چه صورتی باشد، و د- سازوکار تعیین برنده یا برنده‌های انتخابات چگونه باشد.

طرح جایگزین بایستی ضمن نداشتن مشکلات فوق، موجب شایسته‌گزینی و انتخاب افراد ذی‌صلاح گردد و علاوه بر آن باتوجه‌به ویژگی چندصدایی نظام سیاسی کشورمان، تضمین‌کننده حضور و مشارکت گروه‌های مختلف سیاسی در انتخابات مجلس باشد.

اندیشکده حکمرانی شریف، بادر نظر گرفتن معیارهای مذکور، پیشنهادی اجراپذیر و مبتنی بر محدودیت‌های حال حاضر کشور ارائه می‌دهد:

باتوجه به حساسیت‌های موجود در حوزه‌های تک‌کرسی و احتمال بروز مشکلات جدی در صورت کاهش نقش این حوزه‌ها، «نظام انتخاباتی تلفیقی: اکثریتی در تک‌کرسی‌ها و تناسبی در چندکرسی‌ها» می‌تواند ضمن حفظ نظام اکثریتی موجود در حوزه‌های تک‌کرسی، نظام تناسبی را در حوزه‌های انتخابیه دوکرسی به بالا برقرار نماید. طرح فوق به ایجاد تاثیر برای آراء اقلیت منجر خواهد شد. چرا که حتی با داشتن رای کمتر از ۵۰ درصد در شهرهای بزرگ دارای کرسی خواهند بود و این موضوع منجر به افزایش امید برای حضور و در نتیجه افزایش مشارکت در شهرهای بزرگ می‌شود. همچنین رقابت بین لیست‌های انتخاباتی منجر به برگزیده شدن بهترین‌های هر لیست می‌شود و لذا کیفیت نمایندگان ورودی به مجلس نیز ارتقا پیدا می‌کند. در عین حال در شهرهای تک‌کرسی به دلیل عدم ایجاد تغییر هیچ مشکل جدیدی تولید نمی‌شود.

مشکلات نظام انتخاباتی موجود مجلس

نظام انتخابات^۲ مجلس شورای اسلامی بدلیل وجود مشکلاتی در حوزه قانون انتخابات و فرهنگ سیاسی، متحمل کژکارکردهای فراوانی است. دارا بودن نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری با حوزه‌های انتخابیه یک یا چند نماینده‌ای و اشتراط حدنصاب پایین^۳ برای کسب پیروزی در انتخابات و در نتیجه فقدان رقابت تشکیلاتی، منجر به بازتولید آسیب‌ها در بدنه انسانی مجلس می‌گردد. در ادامه به اهم این مشکلات می‌پردازیم.

اولویت دغدغه‌های محلی و کمرنگی مسائل ملی

سیستم فعلی، جایگاه نمایندگی مجلس را که در درجه اول یک قانون‌گذار و ناظر بر اجرای قانون است به یک رسیدگی‌کننده به امور جزئی و محلی حوزه‌های انتخاباتی تنزل داده است. چنان‌که اگر نماینده‌ای در دوران نمایندگی خود خواسته‌های عمومی ساکنان حوزه انتخابیه خود را که گاهی هیچ ارتباطی با نمایندگی مجلس نیز ندارند نادیده بگیرد در دوره‌های بعدی با اقبالی مواجه نخواهد شد. از سوی دیگر ورود بیش از حد نمایندگان به امور محلی، سبب دخالت در اموری شده است که براساس قانون تا حدود زیادی در حیطه وظایف شوراهای شهر و روستاست و از این طریق قدرت مانور از این نهاد سلب شده است.

پیروزی افرادی با شایستگی‌های ناکافی

باتوجه به آن‌که بخش قابل توجهی از نمایندگان وقت خود را در شهرها و روستاهای حوزه انتخابیه می‌گذرانند، مردم نمایندگانی را انتخاب می‌کنند، که اطمینان حاصل کنند به نیازهای محلی و حتی روزمره آن‌ها در حوزه انتخاباتی توجه دارد و این امر در بسیاری از موارد سبب انتخاب افراد عامی، کم‌سواد، بی‌تخصص، قوم‌گرا و غوغاسالار در مجلس شده است. درواقع افرادی که از پشتوانه قومی، طایفه‌ای و مالی برخوردارند و می‌توانند به هر شکل ممکن با سردادن شعارها و وعده‌های فراوان و انجام تخلفات، رای بسیاری از مردم حوزه انتخابیه را به خود جذب کنند، احتمال رای آوری بالایی دارند. از سوی دیگر بدلیل حاکم شدن چنین محیطی، بسیاری از افراد دارای تخصص و شایسته اصولاً تمایل به حضور در این رقابت پیدا نمی‌کنند.

^۲ نظام انتخابات یا قواعد انتخاباتی دربردارنده‌ی تمامی روندها و قواعد مرتبط با حوزه‌ی انتخابات است.

^۳ شرط «اکثریت مطلق» مندرج در قوانین انتخابات سال‌های ۵۸ و ۶۲ با دوبرار اصلاح در قانون انتخابات در سال‌های ۶۳ و ۷۸ به ترتیب به ثلث و ربع آرا کاهش یافت.

حذف رای بسیاری از رای دهندگان و کم رنگی عدالت انتخاباتی

نظام انتخاباتی فعلی صرفاً به ثبات سیاسی می‌اندیشد و جایگاهی را برای گروه‌ها و احزاب اقلیت قائل نیست. ثبات‌گرایی مطلق نمی‌تواند با اصول مردم‌سالارانه قانون اساسی از جمله اصل ۶ و ۵۶ و فصل سوم آن سازگار افتد. در حال حاضر مثلاً در یک حوزه انتخابیه اگر حزبی بتواند ۴۹ درصد آرا را کسب کند درحالی‌که حزب رقیب توانسته ۵۱ درصد آرا را به خود اختصاص دهد، حزب اول بازنده مطلق خواهد بود و عملاً هیچ کرسی از آن حوزه انتخابیه را در خانه ملت نخواهد داشت. چنین مشکلی که برآمده از ویژگی نظام اکثریتی است، با توجه به آنکه نظام سیاسی کشور ما، ریاستی است و همواره اکثریت مطلق تعیین‌کننده ریاست جمهوری هستند، نمی‌تواند پاسخگوی انتظارات گروه‌ها و احزاب مختلف در ایران باشد.^۴

امکان بروز تخلفات انتخاباتی

محدوده حوزه‌های موجود جدای از ویژگی‌های مطلوب دارای نقاط ضعفی نیز هستند. با توجه به آنکه اکثر حوزه‌های انتخابیه، کوچک هستند^۵، جابجایی رای‌دهندگان و جمع‌آوری انتخاب‌کنندگان غیربومی زمینه‌ساز بروز تقلب و نتایج غیردموکراتیک می‌گردد. همچنین، نامزدهایی که بخواهند با شیوه‌هایی همچون خرید رای و یا تطمیع و تهدید بر تعداد آرای خود بیافزایند، به دلیل محدوده کوچک حوزه، قدرت مانور خواهند داشت.

عدم پاسخگویی نمایندگان

مفهوم پاسخگویی^۶ در جوامع به فرآیندهایی گفته می‌شود که شهروندان، حاکمان را برای رفتار و عملکردشان مسئول می‌سازند. این مهم در صورتی محقق می‌شود که پشتوانه‌ای منطقی ضمانت آن را فراهم آورد. در حال حاضر تنها سازوکار تأمین‌کننده مفهوم پاسخگویی در نمایندگان، انتخاب یا عدم انتخاب توسط مردم در دور بعدی انتخابات است. ولی جدای از آن که عموماً عملکردهای گذشته افراد در حافظه بلند مدت مردم باقی نمی‌ماند، وجود سازوکار ذی‌نفع و درونی ثبت عملکرد و ارزیابی و انتخاب کاندیدها جهت معرفی به مردم و انتخاب توسط ایشان در دوره‌های مختلف انتخابات لازم و ضروری است.

^۴ یکی از مصادیق بروز این آسیب، حوزه انتخابیه شهر تهران است که در مجلس هفتم تمامی کرسی‌ها به اصولگرایان و در مجلس دهم تمامی کرسی‌ها به اصلاح‌طلبان اختصاص یافت. لازم به ذکر است در هردو مورد جهت‌گیری دولت حاضر نسبتاً همسو با طیف پیروز بوده که این امر موجب به حاشیه رانده شدن بخش اقلیت و بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی است.

^۵ از مجموع ۲۰۸ حوزه انتخابیه، ۱۶۷ حوزه تک‌کرسی و ۲۲ حوزه دوکرسی هستند.

^۶ Responsibility

نرخ زیاد تغییر نمایندگان

نمایندگان مجلس بدلیل لزوم آگاهی از بایسته‌های حقوقی و قانون‌گذاری، باید دارای تجربه و علم کافی در این خصوص باشند. در حال حاضر به طور میانگین در هر دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حدود ۶۵ درصد نمایندگان، افراد جدیدی هستند که طبیعتاً ماه‌ها به طول می‌انجامد تا بتوانند خود را با نمایندگی مجلس وفق بدهند. در ده دوره مجلس، میانگین حضور هر نماینده ۱,۴۵ دوره بوده است که این آمار نشان دهنده عدم استفاده بهینه از تجربه زیسته و علم نمایندگان سابق می‌باشد.

هزینه‌ی بالای انتخابات

در حال حاضر بدلیل عدم وجود نهاد ناظر بر هزینه‌های انتخاباتی و عدم شفافیت مالی تبلیغات نامزدها، هزینه‌های پنهان انتخابات بسیار بالا تخمین زده می‌شود. همچنین باتوجه به برگزاری تعداد زیاد انتخابات^۷ در کشورما و لزوم جلوگیری از صرف هزینه‌های بیش از حد، دومرحله‌ای بودن انتخابات در عمل با اهداف صرفه‌جویی اقتصادی و اهداف توسعه‌گرایانه کشور سازگار نیست، زیرا هزینه‌های زائد برگزاری مرحله دوم را بر کشور تحمیل می‌کند. ضمن آن‌که مرحله دوم انتخابات معمولاً به‌دلیل عدم شرکت بسیاری از انتخاب‌گران، شعار مشارکت حداکثری را زیر سوال می‌برد.

^۷ تاکنون حدود ۴۰ انتخابات در کشور برگزار شده است.

تاریخچه اصلاحات در قانون انتخابات مجلس

به منظور تعیین بهترین نظام انتخاباتی در کشور، لزوم بررسی عقبه تاریخی - تجربی اصلاحات در مجلس امری گریزناپذیر است. در ادامه قصد داریم با مرور تاریخچه اصلاحات در قانون انتخابات مجلس، تجربیات مشابه طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه را بررسی نماییم.

قبل از انقلاب اسلامی

پس از صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ و تصریح به ایجاد مجلس شورای ملی، نخستین مجلس موسسان کمیته‌ای را مامور تدوین نظام‌نامه‌ی انتخابات کرد و نهایتاً انتخابات طبقاتی در ۱۳ حوزه انتخابیه ایالتی و ولایتی (معادل استانی) در تهران بصورت مستقیم و در دیگر حوزه‌ها بصورت غیرمستقیم برگزار گردید. پس از فتح تهران و برقراری مجدد مشروطیت، هیات ۱۶ نفره‌ای که از طرف دولت مرکزی انتخاب شده بودند در سال ۱۲۸۸ نظام‌نامه انتخابات طبقاتی را نسخ و نظام‌نامه دودرجه‌ای را تصویب نمودند. در انتخابات دودرجه‌ای حوزه‌های انتخابیه متشکل از دو یا چند ایالت تشکیل شدند و برای ۵ ایل عمده ۵ حوزه انتخابیه مجزا تعیین شد. پس از انجام درجه (مرحله) اول افراد انتخاب شده بایستی از میان خود نمایندگان حوزه انتخابیه را انتخاب می‌کردند. مطابق این نظام‌نامه، مشارکت مردم به تمکن مالی و سواد ایشان منوط بوده است. این وضعیت با قانون انتخابات مستقیم و عمومی مصوب در ۱۲۹۰ تغییر کرد. در اکثریت انتخابات مجلس ملی، نظام اکثریت نسبی پذیرفته شده بود. انتخابات طبقاتی، دودرجه‌ای و مجلس سنا به منطبق با انتخابات استانی نزدیک بوده‌اند.

بعد از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل گردید. در جریان بررسی پیش‌نویس قانون اساسی در سل ۱۳۵۸ برخی اعضای این مجلس پیشنهاد نمودند که در کنار مجلس شورای ملی، یک مجلس ایالات تشکیل شود که از هر استان به طور مساوی ۳ یا ۴ نفر در آن نمایندگی کنند. هدف پیشنهاد دهندگان این بود که مجلس دوم درمورد سیاست‌های کلی مملکت اظهار نظر کند. البته پیشنهاد فوق مورد قبول واقع نشده و به تشکیل مجلس شورای اسلامی بسنده شد. در شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز یکی از پیشنهادها برای اصلاح اصل ۶۴ قانون اساسی^۸ استانی شدن انتخابات مجلس بود. این طرح در شور اول کمیسیون مربوطه رد شد ولی در نهایت تصمیم‌گیری درمورد استانی شدن انتخابات مجلس به قانون‌گذاری مجلس شورای

^۸ اصل ۶۴ قانون اساسی: عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دوپست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

اسلامی واگذار گردید. لذا در ذیل اصل ۶۴ بیان گردید که تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه را قانون مشخص می‌کند. البته شرط «اکثریت مطلق» مندرج در قوانین انتخابات سال‌های ۵۸ و ۶۲ با دوبرار اصلاح در قانون انتخابات در سال‌های ۶۳ و ۷۸ به ترتیب به ثلث و ربع آرا کاهش یافت.

پس از آن نمایندگان مجلس در دوره‌های مختلف پیشنهاد استانی شدن حوزه‌های انتخابیه را بررسی نمودند که با چالشهای فراوانی روبرو بود.

طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس برای نخستین بار در سال ۱۳۸۲ به تصویب اکثریت نمایندگان دوره ششم رسید. شورای نگهبان براساس اصل ۹۴ قانون اساسی این مصوبه را بدلیل آنکه موجب بروز و افزایش اختلافات محلی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی می‌گردد و در تعارض با همبستگی و وحدت ملی بوده و عامل از بین رفتن توسعه و تحکیم برادری اسلامی است، مغایر با شرع و قانون اساسی تشخیص داد. با این استدلال که در این شیوه رای ستانی ممکن است یک نامزد در سطح شهرستان خود بیشترین رای را کسب نکند ولی با کسب رای مجموع استان کرسی مجلس را در اختیار بگیرد. کاهش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود نیز یکی از دیگر ایرادات شورای نگهبان بر این مصوبه بود.

پس از آن نمایندگان مجلس ششم بمنظور رفع ایرادات یاد شده طرح «استانی شدن حوزه‌های انتخابیه در برخی استان‌های کشور» را تصویب نمودند. با این وجود بازهم بدلیل مشکلاتی همچون بروز اختلافات قومی و قبیله‌ای و خدشه به وحدت ملی، مورد پذیرش شورای نگهبان قرار نگرفت.

در ادامه نمایندگان مجلس هفتم در سال ۱۳۸۶ اصلاحیه همان طرح را به تصویب درآوردند که بازهم شورای نگهبان ایرادات پیشین را پابرجا دانست.

افزون براین تلاش‌ها، مجلس نهم نیز در سال ۱۳۹۴ طرح «استانی- شهرستانی شدن حوزه‌های انتخابیه» را به تصویب رسانید، که طرح فوق شامل همان مفاد طرح قبلی بود با این تغییر که بمنظور تقویت نظام حزبی، امکان رای به فهرست‌های احزاب مختلف نیز فراهم شده بود و همچنین حداقل نصاب ۱۵ درصد برای کسب رای از حوزه‌های فرعی در کنار کسب بالاترین رای در استان نیز بعنوان شروط لازم مطرح گردیده بود. با این وجود شورای نگهبان بر همان اشکالات پیشین پای فشرد و این مصوبه را به جهات مختلف مغایر با شرع و برخی اصول قانون اساسی دانست.

در حال حاضر طرح یک فوریتی «اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» در آذرماه سال جاری (۱۳۹۷) در دست بررسی نمایندگان مجلس قرار گرفته است.

نظام سیاسی و نظام انتخاباتی

در میان نظام‌های سیاسی با دو نظام عمده «پارلمانی» و «ریاستی» روبرو هستیم. نمونه برجسته نظام پارلمانی، نظام سیاسی در بریتانیا و نمونه نظام ریاستی، نظام سیاسی در ایالات متحده امریکاست. این دو نظام، وجوه مشترک فلسفی و کلی و در همان حال ناهمسانی‌های بنیادی دارند. این ناهمسانی‌ها نه در هدف، که در ابزارهایی است که قوای قانون‌گذاری و اجرایی برای رسیدن به آن هدف برای خود در نظر می‌گیرند. درست است که هر دو نظام در پی استقرار تعادل قوا هستند، اما در واقع رژیم پارلمانی دستیابی به تعادل قوا را از راه سپردن اختیارات متقابل و تأمین بیشترین اثرگذاری متقابل قوا بر یکدیگر پیگیری می‌کند، در حالی که رژیم ریاستی، تعادل قوا را با تضمین خودکفایی یا گونه‌ای استقلال برای هر قوه و در عین حال نظارت آنها بر یکدیگر به منظور ایجاد تعادل دنبال می‌کند. لذا نقش پارلمان در دو نظام ریاستی و پارلمانی نمی‌تواند یکسان باشد.

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به خصوص پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ ترکیبی ویژه و منحصر به فرد از نظام‌های پارلمانی و ریاستی شده است. رئیس‌جمهور اگرچه مستقیماً از سوی مردم انتخاب می‌شود و از این جهت شبیه به نظام‌های ریاستی است، اما وزرا باید از پارلمان که نمایانگر اراده مردم و قدرت عمومی است، رأی اعتماد کسب کنند و از این نظر به نظام پارلمانی شباهت دارد. از سوی دیگر بر خلاف نظام‌های ریاستی که در آنها وزرا به عنوان بازوان اجرایی رئیس‌جمهور بوده و فقط در برابر وی مسئولیت دارند، در ایران وزرا در برابر مجلس شورای اسلامی نیز مسئول اند و مجلس از طریق تذکر، سؤال و استیضاح بر عملکردشان نظارت دارد. از سوی دیگر رئیس‌جمهور حق انحلال مجلس را ندارد (مشابه نظام ریاستی) و رئیس‌جمهور نیز از دل پارلمان بیرون نمی‌آید (مشابه نظام پارلمانی). بدین سان **نظام انتخاباتی** منتخب بایستی با ویژگی‌های منحصر به فرد نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مطابقت داشته باشد. چراکه شاید برای نظام‌های پارلمانی که مردم از طریق پارلمان روسای قوه مجریه را انتخاب میکنند، اتخاذ یک نظام انتخاباتی اکثریتی کاملاً منطقی به نظر برسد^۹، حال آنکه در نظام‌های سیاسی دیگر شرایط متفاوت است.^{۱۰}

^۹ چون نیاز است هر بار اکثریت پارلمان متعلق به یکی از احزاب باشد تا در تشکیل دولت دشواری بوجود نیاید.
^{۱۰} در هیچ کشوری که شرایط نظام سیاسی و حوزه بندی مشابه ایران دارد، نظام انتخاباتی پارلمان بصورت اکثریتی نیست.

انواع حوزه‌های انتخابیه

بعنوان مقدمه باید گفت نوع نظام انتخاباتی مجلس، درهم‌تنیدگی زیادی با نوع حوزه‌بندی کشور دارد. تنظیم ناعادلانه حوزه‌های انتخابیه، تعداد آرا هدررفته^{۱۱} را افزایش می‌دهد. از حیث تجدیدنظر در حوزه‌های انتخاباتی دو رویه کلی از سوی کشورها اتخاذ شده است: رویه اول که رویه ای سخت و انعطاف ناپذیر است و در آن کشورها حوزه‌های انتخابیه منطبق بر تقسیمات کشوری است نظیر سوئیس، نروژ، لوکزامبورگ و ایسلند. در رویه دوم عمل حوزه بندی با انعطاف بیش تری صورت می‌گیرد و برش‌های حوزه ای به طور منظم مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد. در آمریکا، قوه مقننه بعد از هر سرشماری صلاحیت دارد به تجدید نظر در حوزه‌های انتخاباتی بپردازد. در آلبانی، بلغارستان، لهستان و شوروی سابق عمل حوزه بندی دو ماه پیش از تاریخ اجرای انتخابات صورت می‌گرفت.

به طور کلی می‌توان انواع حوزه‌بندی‌ها را به صورت منطقه‌ای، شهری، استانی و یا کشوری دسته بندی نمود. در حوزه بندی «منطقه‌ای» مانند آنچه در پارلمان انگلیس رخ می‌دهد به تعداد ۵۳۳ حوزه انتخابیه منطقه‌ای وجود دارد که باتوجه به وسعت و جمعیت کم هر حوزه، رای دهندگان در هر منطقه تنها یک نفر را انتخاب می‌کنند. یکی از فواید مدل فوق آن است که رای‌دهندگان می‌توانند به شناخت نسبتاً خوبی درمورد نامزدها دست بیابند و پس از انتخاب شدن، به نماینده خود دسترسی داشته باشند.

از سوی دیگر در انتخابات مجلس شورای اسلامی کشورمان که حوزه بندی بصورت «شهری» است، هر حوزه می‌تواند تعداد متنوعی کرسی را شامل شود. برای مثال شهر تهران تعداد ۳۰ کرسی در اختیار دارد ولی شهرهای کوچکی همچون نهبندان، ملایر و منوجان تنها یک کرسی در اختیار دارند.

یکی دیگر از موارد ذکر شده، حوزه بندی «استانی» است که در آن مرز هر استان بعنوان محدوده حوزه تلقی می‌گردد. انتخابات مجلس خبرگان رهبری در کشورمان بصورت استانی است و انتخابات مجلس سنای ایالات متحده آمریکا بصورت ایالتی برگزار می‌شود.

نوع دیگر حوزه‌بندی انتخاباتی، «کشوری» است که در آن همه مردم کشور می‌توانند به داوطلبان پارلمان رای دهند. برای مثال در کشور هلند و فلسطین اشغالی، انتخابات پارلمانی به صورت کشوری برگزار شده و تمام مردم، می‌توانند همه نامزدهای پارلمان را در میز انتخاب خود قرار دهند. طبیعتاً با بزرگ تر شدن مقیاس حوزه‌ها، سطح کارکرد نمایندگی از درجه محلی به مرتبه ملی تغییر پیدا می‌کند که در هر کشور باتوجه به ویژگی‌های نظام سیاسی و دیگر ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن، نوع حوزه بندی تعیین می‌گردد.

^{۱۱} آرای هدررفته آرای هستند که در حمایت از گروه شکست خورده به صندوق رای ریخته شده اند و در نتیجه منجر به کسب کرسی نشده اند. به طور کلی در نظام اکثریتی آرای هدررفته بسیار بیشتر از نظام تناسبی است، چرا که در حالت تناسبی حزب اقلیت هم می‌تواند بخشی از کرسی ها را کسب نمایند.

نظام‌های انتخاباتی

همانطور که پیش‌تر مطرح گردید، نظام انتخاباتی مجلس تعیین‌کننده شیوه رای‌ستانی از مردم و شیوه شمارش آرا و انتخاب نمایندگان پارلمان است. بطور کلی سه نوع نظام انتخاباتی اکثریتی، تناسبی و مختلط در دنیا وجود دارد، که در ادامه به توضیح مختصر هر یک می‌پردازیم:

اکثریتی

ریشه نظام اکثریتی به یونان باستان در قرون وسطا برمی‌گردد که برای نخستین بار توسط سیمون دو مونفورت^{۱۲} برای انتخابات مجلس بریتانیا استفاده شد. در این نظام که ساده‌ترین سامانه انتخاباتی است، کشور به شماری حوزه انتخاباتی تقسیم می‌شود و نامزد یا فهرستی انتخاب می‌شود که بیشترین آرا را بدست آورده باشد. در این صورت فهرست‌های دیگر هیچ کرسی نخواهند داشت.

انتخابات اکثریتی به شیوه‌های **تک‌نام** یا **فهرستی** و همچنین **یک‌مرحله‌ای** یا **دو‌مرحله‌ای**^{۱۳} برگزار می‌شود. در شیوه تک‌نام بایستی تمامی حوزه‌ها بصورت تک‌کرسی و طبیعتاً کوچک‌شده باشد. برای مثال در انتخابات مجلس ملی فرانسه (از سال ۱۹۵۸ تاکنون) و مجلس انگلستان از شیوه «تک‌نام-اکثریتی» استفاده می‌شود. ولی در انتخابات فهرستی، در یک حوزه انتخابیه، برگه رای دارای چند نام یا یک فهرست است، اگر شرکت‌کنندگان مجبور باشند به یک فهرست کامل رای دهند به آن فهرست بسته می‌گویند ولی در فهرست باز که هدفش اعطای آزادی بیشتر به رای‌دهندگان است، امکان رای ترجیحی یا ترکیبی وجود دارد. برای مثال در کشور های دانمارک، نروژ، فنلاند، هلند و ایتالیا که از انتخابات به شیوه «فهرستی-ترجیحی-اکثریتی» استفاده می‌شود، رای‌دهندگان توان تغییر اولویت-بندی نامزدهای لیست را دارند^{۱۴}.

تناسبی

نظام تناسبی برای اولین بار در سده نوزدهم میلادی توسط هوندت^{۱۵} ریاضی دان بلژیکی ابداع شده و پس از آن که در کشور وی به تصویب رسید، مورد پذیرش بسیاری از کشورها قرار گرفت. در این سامانه اصل بر این است که به هر حزب و گروه سیاسی حاضر در انتخابات به تناسب رای که بدست آورده کرسی داده شود، به شرط آنکه حداقل آرای لازم را کسب کرده باشند. هدف این نظام برقراری عدالت

^{۱۲} Simon de Montfort

^{۱۳} نظام دو‌مرحله‌ای افزون بر ایران و فرانسه در بیست کشور جهان همچون آفریقای مرکزی، کنگو، گابن، موریتانی، مالی، توگو، مصر، ویتنام و هائیتی که متأثر از فرانسه هستند، استفاده می‌شود. لازم بذکر است نظام دو‌مرحله‌ای فقط درحالت اکثریتی امکان وقوع دارد و درحالت تناسبی مرحله دومی برای انتخابات وجود ندارد.

^{۱۴} افراد می‌توانند با گذاشتن علامت ضربدر جلوی نام برخی نامزدها و خط زدن نام آن‌ها اولویت بندی نمایند. در این شیوه شمارش آرا پیچیدگی زیادی دارد.

^{۱۵} Hondt

در امر نمایندگی و نمایاندن دقیق گرایش‌های سیاسی موجود در کشور است. بدلیل ویژگی‌های نظام تناسبی، این سامانه رایج‌ترین الگو در کشورهای اروپای غربی (به جز فرانسه و انگلستان)، اسکاندیناوی، سویس و دیگر کشورهای دارای نظام چندحزبی است. این نوع نظام نیز به دو دسته فهرستی و رای واحد قابل انتقال تقسیم می‌شود. در شیوه «فهرستی» بسته به نوع فهرست‌بسته و یا فهرست‌باز بودن (مشابه قسمت قبل) احزاب به تناسب میزان رای که کسب نموده اند، کرسی بدست می‌آورند. مزیت شیوه فوق سادگی نسبی آن در مقایسه با روش رای واحد است. نظام «رای واحد قابل انتقال» همانند نظام اکثریتی ترجیحی است با این تفاوت که رای دهندگان به جای رای دادن به یک نامزد، چند نامزد را به ترتیب اولویت انتخاب می‌کنند و نهایتاً بر اساس فرمول خاص آن، هر ردیف دارای ضریب تاثیر متفاوتی با ردیف‌های دیگر خواهد بود و نهایتاً چند نماینده که ممکن است از لیست‌های مختلف باشند، انتخاب می‌شوند. ویژگی منحصربه‌فرد این نظام کاهش چشمگیر رای‌های هدررفته است.

مختلط

برخی کشورها همچون آلمان و ایتالیا این دو نظام انتخاباتی (اکثریتی و تناسبی) را درهم آمیخته و به سامانه انتخاباتی مختلط روی آورده‌اند. تلفیق اکثریتی و تناسبی به قدری کلی است که موجب می‌شود دامنه این نوع نظام‌ها گسترده باشد. هدف از انتخاب این نوع نظام‌ها برطرف کردن عیوب نظام‌های اکثریتی و تناسبی و بدست آوردن مزیت‌های این دو نظام است. در این نوع نظام انتخاباتی مردم از دو نوع حق رای برخوردارند (مثلاً قسمتی از برگه رای برای حوزه ی اکثریتی و قسمت دیگر نیز برای رای دادن به یک فهرست تعیین شده است). و نامزدی نیز در دوسطح اکثریتی و تناسبی صورت می‌گیرد. نظام مختلط علی‌رغم داشتن پیچیدگی زیاد مخصوصاً در مرحله شمارش آرا، انصاف را در تخصیص کرسی‌های نمایندگی نسبتاً رعایت می‌کند. چون نظام مختلط در مقایسه با نظام اکثریتی، تناسبی تر شده و کرسی‌ها منصفانه تر توزیع می‌شوند. اما مهم‌ترین اشکال وارد بر نظام مختلط آن است که به طور ناسازگاری تناسبی شده است و می‌تواند مجموعاً موجب عدم تناسب گردد.

معیارهای کلان نظام انتخاباتی مطلوب برای کشور

نظام انتخاباتی ایران بایستی براساس شاخص‌های چندگانه انتخاب شود^{۱۶} و ترجیح این شاخص‌ها باید به گونه‌ای باشد که پایایی و ثبات دولت در معرض خطر نیافتد. زیرا ما همانند همه کشورهای در حال توسعه، نیازمند نوعی امنیت، پایداری و پیوستگی حقوقی-سیاسی هستیم. پس در نظام انتخاباتی آینده بایستی به تنوع قومی، مذهبی و جغرافیایی کشور توجه داشته باشیم. افزون بر این جامعه ما پذیرای تک‌صدایی نیست و اگر نظام انتخاباتی نتواند به انعکاس دیدگاه‌های مختلف سیاسی بپردازد، رفته رفته حقانیت خود را از دست خواهد داد. نتیجه آنکه نظام انتخاباتی آینده لزوماً باید به تناسب تعداد کرسی‌ها و آرای انتخاب‌کنندگان توجه داشته باشد.

در جمع بندی نکات مطرح شده از سوی صاحب‌نظران در مورد ویژگی‌های نظام انتخاباتی مطلوب، برخی خواسته‌ها و معیارهای ایجابی از منظر نمایندگان و اساتید در کنار برخی موانع و الزامات موجود در قانون اساسی که مورد تاکید شورای نگهبان است، مطرح می‌گردد:

معیارهای ایجابی

بدون آن که بخواهیم معیارهای مطلوب برای نظام انتخاباتی را رتبه بندی کنیم، مهم‌ترین شان را می‌توان به شرح زیر دانست:

شایسته‌گزینی و انتخاب صالحان

شایسته‌گزینی بدان معناست که فردی کرسی نمایندگی را تصاحب کند که تخصص، مهارت و تعهد لازم را نسبت به نهاد مجلس و اهداف آن داشته باشد. در نتیجه لازم است از ورود افرادی که فقط دارای شهرت و یا منابع مالی اند جلوگیری شود. نظام انتخاباتی مطلوب شناسایی نامزدهای اصلح را ممکن می‌سازد و از عوام فریبی و ایجاد هیجان‌ات نامعقول میان شهروندان جلوگیری می‌کند.

همچنین به تصریح قانون اساسی هدف اصلی حکومت، «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی» است و از این رو «صالحان» عهده دار حکومت معرفی شده‌اند. این معیار مهم در سیاست‌های کلی انتخابات، ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۴ نیز تصریح گردیده است.

^{۱۶} برخی تحلیلگران، مجموعه شاخص‌های گزینش نظام انتخاباتی مناسب را مشتمل بر ۶ مورد «تناسب بین تعداد کرسی‌ها و آرا»، «پاسخگویی به رای‌دهندگان»، «دولت پایا»، «برنده شدن نامزد کندورسه»، «سازش میان اقوام و مذاهب» و «توانایی اقلیت در کسب کرسی» خلاصه می‌کنند.

کاهش فعالیت محلی و افزایش دغدغه های ملی نمایندگان

براساس قانون اساسی نمایندگان بایستی در برابر ملت ایران پاسخگو باشند و نباید تنها نسبت به امورات حوزه انتخابیه خود دغدغه داشته باشند. همچنین نامزد منتخب بایستی جدای از گرایش های سیاسی خود در صدد رفع دغدغه همه شهروندان برآید. همچنین نمایندگان مجلس باید متعلق به همه حوزه های کشور باشند و متعلق به یک بخش خاص نباشد تا بتوانند دغدغه های عموم مردم را نمایندگی کنند. لذا منطبق توزیع حوزه های انتخابیه در تمام سطح کشور همین است و این نباید به معنای آن باشد که نماینده تمام همت خود را صرف رفع مشکلات منطقه خود نماید، بلکه بایستی از سوی انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان این آگاهی نسبت به وظیفه و کارکرد نمایندگی که منافع عموم را شامل می شود وجود داشته باشد. نظام انتخاباتی صحیح، بزرگ ترین گام در راستای تقویت این مهم است.

تضمین مشارکت گروه های سیاسی

باتوجه به آن که در کشور ما تک صدایی مورد پذیرش نیست و احزاب و گروه های گوناگون فکری در اداره جامعه نقش و دغدغه دارند، لازم است پارلمان مشتمل بر گروه های مختلف سیاسی باشد و ضمن حفظ قاعده اکثریت، حضور اقلیت ها و حقوق ایشان تضمین گردد. چنانچه یک نهاد انتخابی نظیر پارلمان بتواند علاوه بر دیدگاه اکثریت، دیدگاه های گروه های شاخص اقلیت را نیز بازتاب دهد، مشروعیت و مقبولیت سیاسی آن نهاد افزایش می یابد، مشارکت مدنی گروه های مختلف گسترش می یابد و همچنین امکان ایجاد فضایی سالم و پرشور برای گفتگوهای سیاسی نیز فراهم می آید. با تقویت مشارکت گروه های سیاسی در انتخابات و پررنگ شدن نقش مثبت احزاب، می توان انتظار تقویت پاسخگویی حزبی نمایندگان را در بلند مدت داشت.

معیار های سلبی

براساس قانون اساسی ۴ معیار عمده در تعیین نظام انتخاباتی مجلس بایستی لحاظ گردد:

عدم کاهش مشارکت مردمی

براساس بند ۸ اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف است تمام تلاش خود را جهت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کاربندد. لذا هرگونه اصلاح در قانون انتخابات در صورتی می تواند مورد تایید شورای نگهبان قانون اساسی باشد که «عدم کاهش مشارکت مردمی» را تضمین بکند. به همین دلیل همانطور که در تجربه طرح استانی شدن انتخابات مرور نمودیم، با توجه به نوع استانی شدن مطرح شده، اهمیت شهرستان ها و روستاهای کوچک که بیش از نصف آرا مربوط به ایشان است، کاهش می یابد و به موجب آن ممکن است مشارکت مردمی کاهش یابد که یکی از ایرادات شورای نگهبان به طرح فوق معطوف به همین اصل بوده است.

افزایش ندادن هزینه های انتخاباتی

براساس اصل ۷۵ قانون اساسی «طرح های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد». لذا هرگونه افزایش هزینه انتخاباتی برآمده از نوع نظام انتخاباتی که طرق جبران هزینه های آن پیش بینی نشده باشد بر اساس قانون اساسی مورد پذیرش نخواهد بود. براین اساس در صورتی که طرح تغییر قانون انتخابات منجر به افزایش هزینه تبلیغات کاندیداها شود یا نیازمند تشکیل نهادی جدید و در نظر گرفتن ردیف بودجه ای خاص آن نهاد باشد یا شیوه رای ستانی و شمارش آرای آن پیچیده و زمان بر باشد، می تواند شامل اصل فوق گردد و توسط شورای نگهبان رد شود.

نبود مشکلات امنیتی و قومیتی

براساس فصل سوم ، اصل ۱۹ قانون اساسی «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند». همچنین طبق بند ۱۵ اصل سوم قانون اساسی، «دولت جمهوری اسلامی موظف است تمام تلاش خود را جهت توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم به کار بندد». لذا هرگونه تغییر در قانون انتخابات تنها در صورتی پذیرفته است که ضمن تضمین حقوق همه اقوام و قبایل، بر اختلافات قومی- قبیله ای دامن نزده و موجب خدشه دار شدن برادری اسلامی و تعاون عمومی نگردد.^{۱۷}

عدم کاهش عدالت انتخاباتی

طبق بند ۹ اصل سوم قانون اساسی که بیان می دارد «دولت جمهوری اسلامی موظف است تمام تلاش خود را جهت رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی فراهم آورد.» هرگونه تغییر در قانون انتخابات بمنظور ارضای نظر شورای نگهبان قانون اساسی بایستی عدالت انتخاباتی را کاهش ندهد. مصداق نکته فوق ، ایرادات شورای نگهبان به طرح استانی شدن حوزه های انتخابیه است که بدلیل اثرگذاری بالای مرکز استان و کم اثری رای مردم شهرستان های کوچک در تعیین نمایندگان استان ها، وجود «تبعیض ناروا» تشخیص داده شده است.

^{۱۷} بعنوان مثال در آذربایجان غربی توجه به حقوق اقوام کرد و ترک، در سیستان و بلوچستان و گلستان توجه به مناطق سنی نشین و شیعه نشین و در خوزستان توجه به چند طایفه ای از لحاظ مسائل امنیتی حائز اهمیت است.

بررسی طرح قبلی استانی شدن

طرح اصلاحیه قانون انتخابات^{۱۸}، با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که با اصلاحیه‌های قدیمی تر (که در بخش تاریخچه اصلاحات در مجلس مورد بررسی قرار گرفت) دارد، تاکنون با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده است و نهایتاً از سوی شورای نگهبان دارای ایرادات بسیار تلقی گردید.

در این طرح هر استان بعنوان یک حوزه انتخابیه اصلی و حوزه‌های انتخابیه فعلی تابعه استان، حوزه انتخابیه فرعی محسوب می‌شود. افراد فقط می‌توانند از یک حوزه انتخابیه کاندیدا شوند. نامزدها یا به صورت مستقل در انتخابات شرکت می‌کنند و یا با ائتلاف با دیگران در قالب یک لیست در انتخابات شرکت می‌کنند. لیست‌ها باید استانی بوده و برای هر حوزه انتخابیه فرعی، به تعداد کرسی‌های آن حوزه در مجلس داوطلب معرفی شود. مثلاً یک لیست در استان تهران باید شامل ۳۰ نفر از تهران و ۵ نفر از پاکدشت، ورامین، دماوند، رباط کریم و شهریار هر کدام یک نفر باشد (جمعاً لیست ۳۵ نفره خواهد بود). هر نامزد مجاز است فقط در یک لیست حضور داشته باشد. مردم نیز می‌توانند یا به تک تک نامزدهای استان به صورت مجزا رای دهند (به تعداد کل کرسی‌ها از آن استان) و یا به عنوان یک لیست رای دهند. در صورتی که به عنوان یک لیست رای دهند، یک رای برای تمام اعضای آن لیست منظور می‌شود. کاندیداها باید حداقل ۱۵ درصد از حوزه انتخابیه فرعی (حوزه‌های انتخابیه سابق) رای داشته باشند تا بتوانند در جدال استانی شرکت کنند. درصد رای کسب شده‌ی هر لیست یا افراد مستقل از کل آراء، سهم آن لیست از کرسی‌های مجلس را مشخص می‌کند. پس از تعیین سهم هر لیست، به ترتیب هر نامزدی که بالاترین آراء را در سطح حوزه انتخابیه اصلی به دست آورده است، تا سقف سهم هر فهرست از کرسی‌ها به عنوان نماینده حوزه انتخابیه فرعی به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابد. اگر هیچ‌یک از نامزدها در یک حوزه نصاب ۱۵ درصد را نداشته باشند؛ فقط در آن حوزه، انتخابات به مرحله‌ی دوم کشیده می‌شود.

در ادامه به بررسی مزایا و معایب طرح فوق می‌پردازیم.

مزایای طرح استانی شدن مذکور

مهم‌ترین مزایای طرح فوق به شرح زیر می‌باشد:

- جایگزینی نگرش ملی به جای نگرش محلی

در شرایط فعلی بخش قابل توجهی از وقت و تلاش نمایندگان صرف پرداختن به مسائل ساده و کم اهمیت مرتبط با مشکلات فردی و جمعی افراد در شهرها و روستاهای حوزه انتخاباتی می‌شود که

^{۱۸} طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس (سال ۱۳۷۸) که در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۱ به تصویب رسید.

براساس قانون در حیطه وظایف وزارتخانه ها، ادارات و بانک هاست. این امر سبب می شود آن ها زمان و فراغت کافی برای رسیدگی و توجه عمیق به مسائل کلان و ملی نداشته باشند. در حالت استانی حیطه کاری نمایندگان طیف وسیعی از فعالیت های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی می شود و موجب می شود نمایندگان مجلس به وظایف اصلی خود که قانون گذاری و نظارت در سطح کلان و ملی است بپردازند.

• افزایش قدرت انتخاب و ورود افراد بیشتر شناخته شده

در حوزه های کوچک بدلیل تعداد اندک کاندیداها گزینش افراد کارآمد به سختی صورت می گیرد، ولی در حالت استانی باتوجه به اینکه حوزه ها بزرگ تر می شوند و افراد بیشتری روی میز انتخاب کنندگان قرار میگیرند، قدرت انتخاب بعنوان یکی از شاخص های مردم سالاری افزایش می یابد. همچنین بدلیل جلوگیری از پدیده هایی چون خرید آرا که در حوزه های کوچک رخ می دهد و به جهت احتمال جبران کمبود نیروی شایسته در یک شهرستان از کل استان، افراد علمی و شناخته شده شانس مطرح شدن پیدا می کنند.

• تناسب جمعیت و تعداد کرسی

در حالت فعلی برخی حوزه ها با پدیده «بیش نمایندگی»^{۱۹} و برخی با «کم نمایندگی»^{۲۰} روبرو هستند، در صورت استانی شدن در حوزه های هم جوار این مشکل حل می شود، و باتوجه به تغییرات کندتر جمعیت استان ها در مقایسه با شهرها، این نسبت در مدت بیشتری پایدار می ماند. همچنین با استانی شدن حوزه ها باتوجه به آن که همه مردم استان در یک حوزه واحد محسوب می شوند، پدیده تسهیم نامتناسب و جری مندرینگ^{۲۱} که در حوزه ها ممکن است وجود داشته باشد، برطرف می گردد.

• امکان مانور شوراهای اسلامی شهر و روستا

براساس قانون اساسی شوراها ارکان مهمی در تصمیم سازی تلقی می گردند، اما بدلیل آن که از نبود نهادینگی متاثرند در درازمدت موجبات تضعیف جایگاه آنها فراهم خواهد شد. از آن جایی که با استانی شدن انتخابات نمایندگان از پرداختن به امور جزئی و محلی برحذر می گردند و به وظیفه اصلی کلان خود می پردازند، فضای لازم برای تصمیم گیری و فعالیت شوراهای اسلامی ایجاد شده و در بلندمدت امور مربوط به نظارت، وضع مقررات و مشاوره محلی به آن ها واگذار می گردد.

^{۱۹} یعنی به نسبت جمعیت اندک حوزه، تعداد بیشتری نماینده وجود دارد.

^{۲۰} یعنی به نسبت جمعیت زیاد حوزه، تعداد کمتری نماینده وجود دارد.

^{۲۱} به استفاده برخی افراد از نفوذ خود برای تغییر محدوده حوزه های انتخابیه، که منجر به پیروزی دائمی یک گروه خاص در یک حوزه و کسب کرسی در مجلس نمایندگان میشود، اصطلاحاً «جری مندرینگ» می گویند.

- کاهش دغدغه‌های قومی - طایفه‌ای

در شرایط فعلی یکی از حربه‌های انتخاباتی در برخی نقاط کشور، پُررنگ کردن اختلافات طایفه‌ای، قومی و مذهبی است. این موضوع می‌تواند سبب بروز تنش‌ها و درگیری‌هایی میان طوایف، قبایل و گروه‌های قومی و مذهبی شود. اما چنانچه حوزه‌های انتخاباتی استانی شود، به دلیل گستردگی جغرافیایی و تعدد آراء، مولفه‌های قومی و طایفه‌ای به تنهایی قادر نیستند در تعیین سرنوشت انتخابات مؤثر باشند.

- رشد تحزب و پاسخگویی حزبی

در حالت استانی‌کاندیدهاها بدلیل مسائل مربوط به هزینه‌های انتخاباتی و همچنین جلب نظرات طیف‌های مختلف مردم ناگزیرند به احزاب سیاسی تکیه کنند، و از آنجایی که احزاب نیز در گزینش کاندیدهای خود مجبورند مناسب‌ترین افراد را انتخاب کنند تا نسبت به عملکردشان پاسخگو باشند، فرهنگ پاسخگویی حزبی در جامعه نهادینه می‌شود.

معایب طرح استانی شدن مذکور

طرح فوق باوجود آن که در تلاش است گامی جهت اصلاح نظام انتخاباتی مجلس بردارد، اما دارای اشکالات و معایب اساسی است که به موارد زیر اشاره می‌شود:

- کاهش مشارکت مردم در انتخابات

اکنون میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس به نسبت دیگر کشورها بسیار بالاست، که این موضوع با تعلقات محلی و منطقه‌ای مردم و نامزدها بی‌ارتباط نیست. با توجه با آنکه در طرح استانی شدن مذکور حوزه اصلی یعنی مرکز استان نقش اساسی را در تعیین نمایندگان ایفا می‌کند، در صورت تصویب و اجرای این طرح، هرچند احتمالاً شور انتخاباتی در مراکز استان بدلیل تشدید رقابت‌ها افزایش خواهد یافت ولی پیش‌بینی می‌شود به مرور زمان میزان مشارکت مردم در مناطق مختلف استان‌ها کاهش یابد. لازم بذکر است تنها ۴۳ درصد از جمعیت کشور متعلق به مراکز استان‌هاست و حدود ۵۷ درصد جمعیت متعلق به شهرستان‌ها و روستاهاست.

- به حاشیه راندن شهرهای کوچک و روستاها

اکنون اکثر نمایندگان حوزه‌های شهرستانی، حدوداً یک‌بار در ماه برای ملاقات با مردم در شهرستان حاضر می‌شوند و از نزدیک با مشکلات ایشان آشنا می‌گردند. با استانی شدن انتخابات، فرصت نمایندگان برای چنین کاری بسیار کم شده و بیشترین توجه‌شان به مسائل ملی و کلان و حضور در مرکز استان معطوف می‌گردد. با توجه به آن که هنوز شوراهای اسلامی شهر و روستا نهادینه نشده‌اند، این امر نهایتاً

منجر به بی پاسخ ماندن خواسته‌های مردم شهرستان‌ها و روستاهای استان می‌شود که بدیهی است این امر با مبانی مردم‌سالاری دینی و عدالت هم‌خوانی ندارد.

• افزایش شکاف اجتماعی و اقتصادی

کمرنگ شدن نقش حوزه‌های فرعی در تعیین نمایندگان از یک سو و بی پاسخ ماندن خواسته‌های مردم شهرهای کوچک و روستاها از سوی دیگر، منجر به افزایش فاصله طبقاتی و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی بین شهرستان‌های کوچک و بزرگ می‌شود که این امر بر آسیب‌هایی همچون مهاجرت بی‌رویه به مراکز استان دامن خواهد زد.

• افزایش مشکلات امنیتی و بروز تنش‌های سیاسی

کاهش مشارکت و شور انتخاباتی مردم در حوزه‌های فرعی و افزایش شکاف اجتماعی بین حوزه‌های فرعی و مراکز استان‌ها، می‌تواند زمینه بروز درگیری‌ها بین مناطق مختلف را فراهم سازد. بخصوص در استان‌هایی که تعلق قومیت‌ها جدی است، استانی شدن انتخابات مجلس ممکن است موجب تهدید وفاق ملی و بروز تجلی تجزیه‌طلبی‌ها گردد. همچنین در برخی استان‌های مرزی با اکثریت جمعیتی تشیع یا تسنن، عملاً اقلیت‌های سنی یا شیعه استانی از داشتن کرسی نمایندگی محروم می‌شوند.^{۲۲} این امر می‌تواند به بروز مشکلات امنیتی دامن بزند. به خصوص با تلفیق استان و شهرستان در بسیاری از حوزه‌ها ممکن است کاندیدایی با رای بسیار کمتر از نفر اول حوزه فرعی، به عنوان نماینده ی آن حوزه معرفی شود. این موضوع هنگامی خطرناک‌تر می‌شود که این دونفر از دوطایفه ی مختلف باشند و اکثریت آن شهر از قوم کاندیدای بازنده باشد. طبق بررسی های مورد به مورد در بیش از ۵۰ حوزه امکان این رخداد وجود دارد که منجر به درگیری های بسیار شدیدی می شود و مشکلات عدیده ی امنیتی را ایجاد می کند.

• افزایش هزینه‌های انتخابات

یکی از ایرادات وارده بر استانی شدن حوزه های انتخاباتی افزایش هزینه های انتخاباتی است. اگر چه به زعم برخی موافقان این طرح، کاهش هزینه‌های انتخاباتی یکی از پیامدهای استانی شدن حوزه های انتخاباتی است، اما مسلماً با گسترش حوزه های انتخاباتی هزینه‌های تبلیغات و جاری رقابت کاندیداها چندین برابر خواهد شد. زیرا در بسیاری از حوزه ها افراد باید در استانی که چند برابر حوزه انتخابیه فعلی است و رقابت شدیدتری در آن حاکم است، تبلیغات خود را انجام دهند. از این رو کاندیداهایی وارد مجلس خواهند شد که قدرت بیشتری در جذب حمایت مالی اشخاص و بنگاه های اقتصادی

^{۲۲} مثلاً نمایندگان برخی حوزه‌های انتخابیه کردستان شیعه هستند و یا نمایندگان برخی حوزه‌های انتخابیه هرمزگان سنی هستند.

دارند که این موضوع در ادامه کار آن‌ها را با مشکل مواجه خواهد کرد. زیرا بر خلاف شأن و وظایف نمایندگی مجبور به تلاش برای حفظ منافع این افراد و بنگاه‌ها خواهند بود.

• ترکیب نامتجانس استان و حوزه فرعی

این طرح بدلیل ترکیب همزمان حوزه‌ی فرعی و استان مشکلات ذاتی غیر قابل حل دارد و به این شکل در دنیا مجرب نیست. تجربه دنیا تنها مدل‌های ترکیبی منطقی را پذیرفته است. هر مدلی که بخواهد در یک حوزه تلفیقی از تناسبی استانی و اکثریتی را دنبال کند، بدلیل وجود اشکال منطقی نمی‌تواند پاسخگو باشد. چراکه منطق انتخابات استانی، نمایندگی فرد انتخاب‌شونده از کل استان است و قرارداد حد اقل نصاب رای از حوزه فرعی، نمی‌تواند گام موثری جهت نیل به اهداف کلان موجود در نظام تناسبی استانی قلمداد گردد. در واقع قرارداد نصاب کف ۱۵ درصدی رای از حوزه فرعی، تغییر خاصی در وضع موجود ایجاد نخواهد کرد. چراکه اکثر کاندیداها این نصاب را می‌توانند کسب کنند (در انتخابات سال ۹۰، ۶۰۶ نفر از کاندیداها در کل کشور بالای ۱۵ درصد رای داشتند). لذا عملاً نماینده بعنوان نماینده استان شناخته خواهد شد، چون این رای کل استان بوده که در تعیین وی موثر واقع شده است و عملاً نمایندگی از حوزه فرعی محقق نخواهد شد.

از سوی دیگر وقوع «بن بست» و «تناقض» در کیفیت اجرای قانون در برخی موارد محتمل است! برای مثال این اتفاق در حالی می‌تواند رخ دهد که لیست‌های A و B و C هر کدام دارای مثلاً ۱ سهمیه از کرسی‌های استان باشند و طبق طرح مصوب به ترتیب از میان کسانی که نصاب ۱۵ درصد آرا از حوزه فرعی را داشته‌اند و بیشترین رای استان را آورده‌اند، به کرسی‌ها به ترتیب نماینده اختصاص بدهیم. در این حال فرض کنید نماینده لیست‌های A و B تخصیص داده شده‌اند و نماینده یکی از حوزه‌های فرعی باقی مانده، که اتفاقاً در لیست C (که ۱ سهمیه در استان دارد) نامزد مربوط به حوزه فرعی نتوانسته است نصاب ۱۵ درصد از حوزه خود را کسب نماید. در این صورت به دلیل همان مشکل منطقی غیر قابل حل، قانون به بن بست می‌خورد و جوابی برای این حالت پیش‌بینی نشده است!

پیشنهاد اجراپذیر جایگزین

در این گزارش آسیب‌های موجود در نظام انتخابات فعلی مجلس، نقاط قوت و ضعف مدل‌های مختلف و معیارهای مطلوب نظام انتخاباتی مجلس اجمالا بررسی گردید. همچنین با مرور تجربیات موجود در دوره‌های مختلف مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی و همچنین تجربیات پارلمانی دیگر کشورها، بدیل پیشنهادی، به عنوان مدل جایگزین نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی معرفی می‌گردد. لازم بذکر است در ارائه پیشنهاد زیر دو اصل «بهینه بودن»^{۲۳} و «اجراپذیر بودن»^{۲۴} مورد توجه قرار گرفته که در ادامه به توضیح کوتاه آن می‌پردازیم:

نظام انتخاباتی تلفیقی: اکثریتی در تک کرسی‌ها و تناسبی در چند کرسی‌ها

در نظام تلفیقی مذکور پیشنهاد می‌شود انتخابات در حوزه‌های دو کرسی به بالا بصورت تناسبی منطقه-ای برگزار شود و حوزه‌های تک کرسی به همان صورت اکثریتی سابق باقی بماند^{۲۵}. (یعنی در هر حوزه چند کرسی، انتخابات تناسبی برگزار شود و افراد بتوانند به لیست یا نامزدهای مستقل رای دهند، در رای به یک لیست برای تک تک افراد لیست یک رای منظور می‌شود. نهایتاً با توجه به آرای تمام افراد لیست‌ها و مستقلین، سهم هر لیست از حوزه انتخابیه مشخص می‌گردد و پس از آن به ترتیب بیشترین رای کسب شده، افراد وارد مجلس می‌شوند.) بطور کلی برای انجام هر نوع گذار هدفمند، بایستی ضمن در نظر گرفتن همه موانع موجود، بصورت قدم قدم شرایط را برای تحول آماده نماییم که در این مدل، بدلیل وجود حساسیت زیاد اجتماعی در بسیاری از حوزه‌های کوچک تک کرسی (۱۶۷ حوزه)، پیشنهاد می‌شود فعلاً تغییری در شیوه رای‌ستانی آنها ایجاد نشود.^{۲۶}

لازم بذکر است ارائه‌ی مدل‌های مرکب از وجود همزمان حوزه‌ی فرعی و استان (طرح جاری در مجلس) مشکلات ذاتی غیر قابل حل دارد و به این شکل در دنیا مجرب نیست. تجربه دنیا نیز تنها مدل‌های ترکیبی منطقی را پذیرفته است. هر مدلی که بخواهد در یک حوزه تلفیقی از تناسبی استانی و اکثریتی را دنبال کند (مانند آنچه در طرح پیشنهادی فعلی تحت عنوان حوزه فرعی و حوزه اصلی آمده است) بدلیل اشکال منطقی نمی‌تواند پاسخگو باشد. هدف از حفظ حوزه فرعی، نسبت داشتن

^{۲۳} سعی شده تا حد ممکن نقاط قوت مدل‌های مختلف حفظ شود و در عین حال از بروز آسیب‌های آنان جلوگیری به عمل آید.

^{۲۴} یکی از ویژگی‌هایی که هر بدیل سیاستی بایستی دارا باشد، عملیاتی بودن و اجراپذیر بودن آن است، به نحوی که با ساختار فعلی کشور قابلیت تطبیق داشته باشد.

^{۲۵} در حوزه‌های تک کرسی مانند سابق اکثریتی برگزار شود، در حوزه‌های چند کرسی پس از تایید صلاحیت‌های افراد توسط شورای نگهبان، نامزدها با یکدیگر ائتلاف می‌کنند و لیست‌های خود را در وزارت کشور ثبت می‌کنند. مردم در حین رای‌گیری در این حوزه‌ها فقط به یک لیست رای می‌دهند. کرسی‌ها به تناسب بین لیست‌های برنده توزیع می‌شود. در هر حوزه از هر لیست به تعداد کرسی‌هایی که آن لیست کسب کرده باشد، افراد به ترتیب از بالای لیست به مجلس راه پیدا می‌کنند.

^{۲۶} لازم بذکر است مدل فوق براساس نظر سخنگوی شورای نگهبان آقای کدخدایی، ایراد شرع و قانون اساسی ندارد و می‌تواند به عنوان پیشنهاد مطرح شود.

نماینده به آن حوزه و مهم ماندن آن حوزه فرعی است و هدف از ایجاد حوزه استان، کارآمد تر شدن نماینده ها است، لذا در طرح قبلی مجلس و با قراردادن نصاب کف ۱۵ درصدی رای از حوزه فرعی هیچ یک از اهداف فوق محقق نمی‌شود، چراکه این رای کل استان بوده که در تعیین وی موثرواقع شده است و فرد عملاً بعنوان نماینده استان شناخته خواهد شد.

ولی در پیشنهاد مذکور ضمن آنکه هدررفت آرا به شدت کاهش می‌یابد، هم نمایندگی در حوزه های تک‌کرسی حفظ می‌شود و هم در حوزه های دوکرسی به بالا باتوجه به آنکه افراد صلاحیت دار لیست های مختلف در حوزه های بزرگ در مجلس حاضر می‌شوند، به سوی کارآمد شدن نماینده ها گام برداشته می‌شود.

بدین جهت تنها راه منطقی که بتوان گام موثری را در راستای تقویت نگاه ملی بجای محلی در نمایندگان نهادینه نمود، برگزاری «انتخابات تناسبی منطقه‌ای در حوزه های چندکرسی و اکثریتی در حوزه های تک‌کرسی» است.

در این پیشنهاد به دلیل مشارکت گروه‌های مختلف سیاسی در حوزه‌های بزرگ، افراد دارای شایستگی بیشتر امکان کسب کرسی خواهند داشت. ضمن آن‌که بدلیل عدم ساختن شوک و تغییر ناگهانی، هزینه های انتخابات افزایش نمی‌یابد.

از نقاط ضعف این پیشنهاد نیز می‌توان به باقی ماندن شرایط سابق در حوزه های تک‌کرسی و حفظ دغدغه‌های خرد محلی نمایندگان آن حوزه‌ها اشاره نمود. همچنین بدلیل مشارکت فعال تر احزاب در ۳۵ حوزه چندکرسی به نسبت حوزه های تک‌کرسی، تفاوت در فرهنگ سیاسی و شور انتخاباتی این حوزه‌ها با یکدیگر، باقی خواهدماند.

شبه سازی انتخابات با مدل پیشنهادی فوق (براساس آمار سال ۹۴)

بمنظور روشن تر شدن وضعیت در صورت اجرای نظام انتخاباتی تلفیقی پیشنهادی، با استفاده از آمار واقعی انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴) در هر یک از لیست های مربوط به اصلاح طلبان، اصولگرایان و همچنین نامزدهای مستقل، نتیجه انتخابات مطابق نمودار ۱ و ۲ در صفحات بعد خواهد بود.

در این نمونه نتایج مربوط به دو حوزه انتخابیه بزرگ تهران، ری و شمیرانات (۳۰ کرسی) و همچنین مشهد و کلات (۵ کرسی) بررسی شده است که دیده شد با استفاده از قانون جاری همه کرسی های تهران به اصلاح طلبان و همه کرسی های مشهد به اصولگرایان تعلق پیدا کرد.

مشخص کردن پیروز انتخابات تهران با مدل پیشنهادی (بر اساس آمار سال ۹۴)

مستقلین			فهرست اصولگرایان			فهرست امید		
۸۰,۵۵۶	میرکافظمی	۱	۱,۰۵۷,۶۲۹	حداد	۱	۱,۶۰۸,۹۲۶	عارف	۱
۷۴,۲۵۸	طلا	۲	۸۸۴,۰۲۳	فانتهری	۲	۱,۴۴۷,۷۱۲	مظهری	۲
۵۷,۳۹۵	غفورنورد	۳	۸۷۱,۴۹۷	بوترابی	۳	۱,۳۳۳,۳۲۷	جلودارزاده	۳
۳۶,۵۲۱	کو یک زاده	۴	۸۶۲,۷۲۳	توگلی	۴	۱,۳۱۱,۳۷۵	محبوب	۴
۳۵,۹۳۱	زحیمی	۵	۸۶۰,۳۳۳	هستجری	۵	۱,۳۹۶,۵۸۰	حضرتی	۵
۳۵,۳۱۵	اردکانی	۶	۷۸۲,۰۹۴	نویاوه	۶	۱,۳۹۳,۶۸۶	جلالی	۶
۳۹,۸۱۴	خوش پره	۷	۷۷۷,۸۷۱	بنبریا نش	۷	۱,۳۶۲,۱۱۲	لولافقی	۷
۳۳,۱۵۰	نرضی	۸	۷۷۰,۳۳۳	ال اسحاق	۸	۱,۳۶۱,۳۵۲	یاددلیچی	۸
۳۳,۷۶۱	صانقی	۹	۷۶۷,۲۵۸	زاگانی	۹	۱,۳۶۰,۱۷۴	کواکبیان	۹
۳۲,۶۲۴	صدر	۱۰	۷۶۲,۰۸۲	رهبر	۱۰	۱,۳۱۸,۷۳۷	حسینی	۱۰
۳۲,۵۶۱	نوفقاری	۱۱	۷۵۳,۶۳۴	ایلیا	۱۱	۱,۳۰۰,۰۱۸	سروش	۱۱
۲۵,۵۲۸	هاشمی	۱۲	۷۳۶,۱۳۶	افتخاری	۱۲	۱,۱۹۸,۷۶۰	سلحشوری	۱۲
۲۳,۰۰۳	مزدی	۱۳	۷۳۱,۷۱۰	رحماننوست	۱۳	۱,۱۸۰,۰۹۵	حیدری	۱۳
۲۳,۵۶۵	شیخ الاسلام	۱۴	۷۳۱,۶۰۳	سلیمانی	۱۴	۱,۱۷۶,۹۰۵	سعیدی	۱۴
۲۳,۳۱۰	سبحانی	۱۵	۷۳۰,۳۷۱	معبادی مقدم	۱۵	۱,۱۷۴,۴۱۰	شیخ	۱۵
۲۰,۸۹۴		۱۶	۷۲۰,۱۳۱	نادران	۱۶	۱,۱۷۳,۰۳۶	نویخت	۱۶
۱۹,۱۳۴		۱۷	۷۱۵,۷۳۱	مظفر	۱۷	۱,۱۶۴,۳۶۸	صافقی	۱۷
۱۷,۶۸۵		۱۸	۷۱۵,۳۵۶	تلودی	۱۸	۱,۱۳۳,۰۵۲	وکیلی	۱۸
۱۶,۳۱۶		۱۹	۷۰۹,۳۳۲	لهیان	۱۹	۱,۱۳۲,۱۹۵	مافی	۱۹
۱۳,۰۵۱		۲۰	۷۰۳,۷۱۴	کوتیری	۲۰	۱,۱۵۸,۰۳۶	نمینی	۲۰
۱۳,۶۶۲		۲۱	۶۹۲,۹۰۲	حیبی	۲۱	۱,۱۵۵,۲۸۲	نوفقدر	۲۱
۱۳,۶۱۲		۲۲	۶۹۲,۸۸۷	نیویان	۲۲	۱,۱۳۹,۷۱۰	فتحی	۲۲
۱۳,۶۱۰		۲۳	۶۹۸,۲۵۸	قریشی	۲۳	۱,۱۲۸,۲۷۰	سیلوشی	۲۳
۱۳,۳۸۶		۲۴	۶۷۵,۳۸۹	طییزاده	۲۴	۱,۱۲۵,۹۹۲	موسوی	۲۴
۱۳,۳۵۱		۲۵	۶۷۱,۳۹۳	فیروزنده	۲۵	۱,۱۲۵,۶۰۸	مازنی	۲۵
۱۳,۱۷۷		۲۶	۶۶۷,۱۷۸	ملکی	۲۶	۱,۱۲۲,۲۵۶	زماثی	۲۶
۱۳,۳۷۰		۲۷	۶۶۵,۰۱۸	وکیل پور	۲۷	۱,۱۲۱,۰۳۲	محمدی	۲۷
۱۳,۰۳۹		۲۸	۶۵۳,۱۹۰	علیری	۲۸	۱,۱۱۸,۱۱۹	نجفی	۲۸
۱۱,۹۵۶		۲۹	۶۲۷,۰۳۵	میرکافظمی	۲۹	۱,۱۱۳,۸۳۹	رحیمی	۲۹
۱۱,۶۸۵		۳۰	۶۲۶,۸۳۵	اردکانی	۳۰	۱,۰۷۸,۸۱۷	هاشمزایی	۳۰
۳,۷۰۵,۱۵۵	حاصل جمع آراء فهرست		۲۲,۳۰۶,۷۳۹	حاصل جمع آراء فهرست		۳۶,۲۷۳,۶۹۳	حاصل جمع آراء فهرست	
۶%	درصد آراء فهرست		۳۶%	درصد آراء فهرست		۵۸%	درصد آراء فهرست	
۱,۷۸	سهمیه خام فهرست		۱۰,۷۴	سهمیه خام فهرست		۱۷,۳۷	سهمیه خام فهرست	
۲	سهمیه نهایی فهرست		۱۱	سهمیه نهایی فهرست		۱۷	سهمیه نهایی فهرست	
						۶۲,۲۸۵,۶۱۸	جمع کل آراء	

جدول ۱: آراء مردم تهران به نامزدهای مختلف در انتخابات سال ۹۴

مشخص کردن پیروز انتخابات مشهد با مدل پیشنهادی (بر اساس آمار سال ۹۴)											
مستقلین				فهرست اصولگرایان				فهرست امید			
۷۴,۷۹۳	جواد آرین منش	۱		۲۸۴,۰۷۷	حسین قاضی زاده	۱		۲۷۲,۰۷۰	حسین امینی	۱	
۴۷,۵۷۴	مجید خدایی	۲		۳۷۷,۷۳۴	نصرالله پزمانفر	۲		۲۵۱,۱۸۵	نسرین یوسفی	۲	
۴۳,۶۲۳	حجت الاسلام حسینی طباطبایی	۳		۲۵۳,۱۱۸	حسین حسین زاده یح	۳		۲۴۰,۲۱۹	علیرضا شهریار	۳	
۳۳,۸۰۱	توسلی زاده	۴		۳۴۳,۷۲۲	رضا شیران خراسانی	۴		۲۳۵,۶۹۵	محمد رضا کلانی	۴	
۳۰,۴۸۹	هادی طباطبایی	۵		۳۲۴,۴۵۰	جواد کریمی قدوسی	۵		۲۲۶,۶۴۵	تقی ابراهیمی سالاری	۵	
بعلاوه مایقی کاندیداها											
۱,۰۵۰,۶۷۶	حاصل جمع آراء همه مستقلین			۱,۷۸۳,۱۰۱	حاصل جمع آراء فهرست			۱,۲۲۵,۸۱۴	حاصل جمع آراء فهرست		
۲۶%	درصد آراء فهرست			۴۴%	درصد آراء فهرست			۳۰%	درصد آراء فهرست		
۱.۳۰	سهامیه خام فهرست			۲.۲۰	سهامیه خام فهرست			۱.۵۰	سهامیه خام فهرست		
۱	سهامیه نهایی فهرست			۲	سهامیه نهایی فهرست			۲	سهامیه نهایی فهرست		
								جمع کل آراء ۴,۰۵۹,۵۹۱			

جدول ۲: آراء مردم مشهد به نامزدهای مختلف در انتخابات سال ۹۴

همانطور که در آمار مربوط به شهرهای مشهد و تهران در انتخابات مجلس سال ۹۴ رویت شد، در صورت اجرای پیشنهاد فوق در هر شهر کرسی های مجلس بصورت عادلانه تری بین نامزدها توزیع خواهد شد. به طوری که در حوزه «مشهد» ۲ کرسی به اصلاح طلبان، ۲ کرسی به اصولگرایان و ۱ کرسی به نامزدهای مستقل و در حوزه «تهران» ۱۷ کرسی به اصلاح طلبان، ۱۱ کرسی به اصولگرایان و ۲ کرسی به نامزدهای مستقل تعلق خواهد گرفت.
